

دکتر یوسف متولی حقیقی

استادیار گروه تاریخ

دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد

شب غازان^۱ راهگشای ایجاد ربع رشیدی

چکیده:

رشیدالدین فضل الله همدانی وزیر نام آور غازان خان که اندیشه هایش تحت تأثیر اعتقادات اسلامی، سنت های ایرانی و قوانین مغولی شکل گرفته بود، نقشه های بزرگی برای انجام اصلاحات در ایران داشت. اندیشه تاسیس مجتمع علمی- فرهنگی ربع رشیدی نقطه اوج این اصلاح طلبی بود. او برای جلوگیری از اتهامات مخالفان، نخست مجموعه مذهبی آموزشی و اجتماعی شب غازان را به نام ایلخان مغولی ایران در غرب تبریز ایجاد کرد و سپس در سال های بعدی با استفاده از تجربیات شب غازان و مهندسان و معماران آن، مجموعه مؤثرتری را به نام خود موسوم به ربع رشیدی در جانب شرقی تبریز بنیان نهاد. مطالعه در ماهیت و موجودیت شب غازان و مقایسه آن با ربع رشیدی بیانگر این واقعیت است که شب غازان مقدمه و در واقع راهگشای تاسیس ربع رشیدی بوده و شاید بدون وجود آن ربع رشیدی نمی توانسته وجود خارجی داشته باشد.

کلید واژه ها: شب غازان، ربع رشیدی، غازان خان، رشیدالدین فضل الله همدانی، تبریز، ایلخانان

مغول.

غازان خان هفتمین ایلخان مغولی ایران اگرچه بیشتر از یک دهه ۶۹۴ تا ۷۰۳ قمری بر ایران فرمانروایی نکرد اما در همین مدت با در پیش گرفتن سیاستهایی و انجام اقداماتی ضمن به تأخیر انداختن تاریخ زوال ایلخانان، نمونه هایی از زیرکی یک حکومتگر را به نمایش گذاشت. وی که از فرجام کار سومین ایلخان مغولی ایران- احمد تکودار- در پذیرش آئین مسلمانی نیک آگاهی داشت به منظور ناکارا ساختن دشمنی اشراف مغول و به دست آوردن پشتیبانی توده های مسلمان و اشراف ایرانی، ضمن پذیرش دین اسلام، دیوان سالاران ایرانی را تکیه گاه اصلی قدرت سیاسی خود قرار داد. وی در همین راستا در سال ۶۹۷ قمری خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، پزشک، مورخ و دانشمند نام آور عصر خود را به «رتب امور جهانبانی و منصب وزارت و صاحب دیوانی» منصوب کرد.^۱ رشیدالدین فضل الله که اندیشه های سیاسی اش تحت تأثیر اعتقادات اسلامی، سنت های ایرانی و قوانین و افکار مغولان شکل گرفته بود^۲، نقشه های بزرگی برای انجام اصلاحات در ایران داشت. اندیشه تأسیس مجتمع بزرگ علمی- فرهنگی ربع رشیدی نقطه اوج این اصلاح طلبی بود. رشیدالدین که خود مورخ بزرگی بود و با روحیات پادشاهان و سلاطین کاملاً آشنایی داشت می دانست که به جامعه عمل درآوردن این اندیشه می تواند حس حسادت سلطان مغول و در نتیجه متهم شدن خود او را به دنبال داشته باشد. لذا تصمیم گرفت نخست مجموعه ای را به نام غازان خان ایجاد کند و سپس با استفاده از تجربیات به دست آمده، ضمن ختنی کردن مخالفت های احتمالی، اهداف خود را در چارچوب ربع رشیدی دنبال نماید. اینگونه بود که ایجاد مجموعه موسوم به شب غازان در سال ۶۹۷ یعنی اولین سال صدارت خواجه رشیدالدین فضل الله در دستور کار قرار گرفت. رشیدالدین برای عملی کردن این فکر خود با تحریک حس میل به جاودانگی در غازان خان- حسی که در گروه زیادی از انسانها و به ویژه حکومتگران دیده شده- زمینه های تأسیس مجموعه مذهبی، آموزشی و اجتماعی شب غازان را فراهم کرد. تحریک این حس در غازان خان تا آن اندازه مؤثر بود که وی برخلاف رسم و عادت مغولان که تلاش می کردند آرامگاهشان در محلی نامعلوم و به دور از آبادانی شد، دستور داد تا برای او آرامگاهی باشکوه همچون آرامگاه بزرگان اسلام بسازند. رشیدالدین در جامع التواریخ زیر کانه تلاش می کند تا علت اصلی تمایل غازان خان به ساختن این آرامگاه و مجموعه بناهای وابسته به آن را به تحت تأثیر قرار گرفتن این ایلخان هنگام زیارت مقابر بزرگان اسلام ربط دهد.

«غازان» در اوائل حال در خراسان به زیارت مشهد مقدس طوس

علی ساکنه السلم و تربت سلطان بایزید | بسطامی | و ابوالحسن خرقانی و

شیخ ابوسعید ابوالخیر و ... رفته و بعد از آن چون مسلمان شد زیارت مشهد مقدس امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ... دریافت و روزی فرمود که کسی که برین وجه مرده باشد و مشهد و مزار او بر این گونه بود او را چگونه از مردگان توان شمرد. این مردن بهتر از زندگی دیگران است و هر چند ما را مرتبه صلحا نیست لیکن از راه تشبه به ایشان ابواب البری ساختن که جای آخرت ما باشد و بدان واسطه خیری و صدقه جاری گردد تا به برکات آن رحمت خدای تعالی دستگیری نماید.^۵

در نتیجه تأثیرات این زیارت ها و به ویژه القانات رشیدالدین فضل الله، غازان خان دستور بنای گنبد عالی و مجموعه بناهای وابسته به آن را در منطقه شم واقع در غرب تبریز صادر کرد. برای ساختن این مجموعه گروههای زیادی از مهندسان و معماران، سنگ تراشان، نقاشان و دیگر متخصصان از اطراف و اکناف کشور به تبریز فراخوانده شدند. ساختن این مجموعه که دربرگیرنده آرامگاه (گنبد عالی) و دوازده بنای مستقل دیگر بود بعد از صرف مبالغ زیاد و به کار گرفتن مصالح گران قیمت همچون آهن و قلع و استفاده از نیروی کار فراوان و تزئین این بناها به وسیله هنرمندان و تجهیز کردن آن ها با فرش ها، شمعدان ها و قندیل ها در سال ۷۰۲ قمری به پایان رسید. بناهای دوازده گانه ای که پیرامون گنبد عالی ساخته شدند عبارت بودند از یک مسجد، دو مدرسه برای پیروان مذاهب شافعی و حنفی، خانقاه، بیمارستان، دارالتولیه، کتابخانه، رصدخانه، بیت القانون، حوضخانه، بیت السیاده (دار السیاده) و گرمابه.^۶

هنوز دو سال از شروع ساخت این مجموعه - که به مناسبت نام غازان خان به شنب غازان معروف شده بود- نگذشته بود که رشیدالدین فضل الله دستور ساختن مجموعه ربع رشیدی را در شرق تبریز صادر کرد. ساختن مجموعه بناهای ربع رشیدی تحت تأثیر عظمت بناهای شنب غازان چندان به چشم نمی آمد و این درست همان چیزی بود که رشید الدین آن را دنبال می کرد. رشیدالدین می خواست عظمت ظاهری از آن شنب غازان باشد اما کارکرد فرهنگی و علمی ربع رشیدی بسیار فراتر از آن مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل در شنب غازان بناها رفیعتر، مصالح گران قیمت تر، تجهیزات ساختمانی و تزئینات داخلی بیشتر^۷ اما در ربع رشیدی بناها کوچکتر، تزئینات کمتر اما وسعت و جمعیت و مراکز علمی به مراتب بیشتر از شنب غازان بود.^۸

در مقام مقایسه بین شب غازان و ربیع رشیدی می بینیم که از مجموعه بناهای شب چهار بنا کارکرد صرف مذهبی، ۵ بنا دارای کارکرد خیراتی و عام المنفعه ای، دو بنا دارای کارکرد اداری و تنها دو بنا (کتابخانه و رصدخانه) کارکرد صرف علمی داشته اند در صورتی که در مجموعه بناهای ربیع رشیدی تقریباً تمام بناها و حتی مساجد دارای کارکرد علمی بودند.

غازان خان برای تأمین هزینه های مختلف شب غازان، املاک زیادی را وقف این مجموعه کرد و تولید آن را نیز به رشیدالدین فضل الله واگذار کرد. درآمد موقوفات شب غازان را سالیانه بالغ بر یک صد هزار تومان مغولی (یک میلیون سکه طلا) نوشته اند. غازان خان برای حفظ موقوفات شب دستور داده بود تا وقف نامه ای در هفت نسخه تهیه و آن را به تأیید بالاترین مراجع دینی و قضایی کشور رسانده و در مراکز مهم مذهبی همچون مکه، مدینه و بغداد نگهداری کنند. در این وقف نامه برای هر یک از بناهای دوازده گانه موقوفات مجزا و شرح وظایفی آورده شده بود.^۹ متأسفانه اصل وقف نامه شب غازان در دست نیست اما رشیدالدین فضل الله خلاصه ای از این وقف نامه را در تاریخ مبارک غازانی آورده است.^{۱۰} استخدام چند نوع حافظ قرآن، توزیع نان و حلوا در شب های جمعه، پرداخت حقوق به علمای ساکن در این مجموعه، دادن ضیافت به امرای مغول و اشراف ایرانی که بعد از مرگ غازان به زیارت قبر او می رفتند، دادن ولیمه به علماء و اعیان و مجاوران مجموعه در سالگرد درگذشت غازان و ختم قرآن توسط اینان، دادن ولیمه در اعیاد فطر و قربان به مجاوران و مسافران، نگهداری از یتیمان بی سرپرست، استخدام پنج نفر معلم برای تعلیم قرآن به صدکودک یتیم، استخدام پنج زن برای غمخواری کودکان یتیم، دادن دو هزار توپ پوستین به مستحقان در سال، تکفین و تدفین فقراء و غرباء در تبریز، ریختن چند خروار غله و ارزن بر پشت بام مجموعه در ماههای سرد برای تغذیه کیوتران و سایر پرندگان، دادن دو هزار من پنبه محلولج در سال به پانصد نفر بیوه زن محتاج، پرداخت هزینه ظروفی که غلامان و کنیزان تبریز شکسته و از این بابت مورد مواخذه مالک خود قرار گرفته اند، پاک کردن راههای منتهی به تبریز تا فاصله هشت فرسخی و نیز بستن پل بر جوی ها و رودخانه های منتهی به تبریز از مهمترین موارد ذکر شده در این وقف نامه است.

رشیدالدین فضل الله نیز همچون غازان برای اداره مجموعه ربیع رشیدی اموال و املاک زیادی را وقف کرد. خوشبختانه بخش هایی از وقف نامه ربیع رشیدی که به احتمال زیاد به خط خود او باشد در کتابخانه ملی تبریز موجود است و نسخه عکسبرداری شده آن نیز در دسترس عموم قرار دارد.^{۱۱} اگرچه مقایسه بین موقوفات شب غازان و موقوفات ربیع رشیدی نشانگر آن است که درآمد موقوفات شب

غازان بیش از سی برابر موقوفات ربع رشیدی بوده اما جمع کل هزینه های نقدی ربع رشیدی که در سال ۷۱۵ قمری ۳۱۶۱۸ دینار بوده و همچنین درآمد موقوفات جنسی آن به ویژه راههای صرف این پولها و اجناس نشان از گستردگی مجموعه ربع رشیدی و دقت تمام در نحوه خرج کردن موقوفات دارد^{۱۲}. رشیدالدین فضل الله بنیاد ربع رشیدی را چنان ریخته بود و چنان مقررات و قوانین و شرایط دقیق و حساب شده ای را برای آن تدوین کرده بود که اگر تندباد حوادث سیاسی اجازه می داد این مجموعه می توانست تا قرن ها به حیات علمی و فرهنگی خود ادامه دهد.

با مجموعه اقدامات و تدابیری که رشیدالدین فضل الله برای اداره دو مجموعه شنب غازان و ربع رشیدی اندیشیده بود به زودی این دو مجموعه جایگاه مهم خود را در غرب و شرق تبریز پیدا کردند. شنب غازان به خصوص بعد از مرگ غازان و دفن او در گنبد عالی^{۱۳} با درآمدهای فراوانی که از موقوفات می رسید مبدل به یک مرکز بزرگ عام المنفعه و حتی مذهبی شد و دهها سال به حیات خود ادامه داد.

اولیاء چلبی که در سال ۱۰۵۰ و حدود یکصد و پنجاه سال بعد از مرگ غازان خان از شنب دیدن کرده در سفرنامه خود می نویسد که در یکی از تکابای این مجموعه متجاوز از ۲۰۰ تن از دراویش و فقراء ساکن بودند و اضافه می کند تمام اهل ایران به شاه محمود غازان اعتقاد کامل دارند و هر سال هزاران قربانی به مقبره او به عنوان نذر می فرستند^{۱۴}.

ربع رشیدی نیز با سرپرستی مستقیم رشیدالدین فضل الله به زودی مبدل به یکی از مهمترین مراکز علمی و آموزشی ایران و منطقه شد. اهمیت ربع رشیدی به خصوص پس از حمله مغولان که در آن شکستی بزرگ بر شیون مختلف فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی ایران وارد شد بیشتر قابل درک است. شیوه های آموزشی و نظام اداری ربع رشیدی تا زمان خود نظیر نداشته و بعضی محققان آن را با آخرین نمونه های امروزی قابل مقایسه دانسته اند^{۱۵}. با این همه اگرچه رشیدالدین تا پانزده سال بعد از مرگ غازان زنده بود و در این مدت تلاشهای همه جانبه ای را برای توسعه کمی و کیفی ربع رشیدی انجام داد اما عمر ربع رشیدی خیلی کوتاهتر از شنب غازان بود. دسیسه های سیاسی، تهمتهای ناروا و نابخردی های ابوسعید (برادرزاده غازان خان) نهمین ایلخان مغولی ایران نه تنها به عمر رشیدالدین خاتمه داد بلکه ربع رشیدی را هم که یک سازمان عام المنفعه و عمومی بود نابود ساخت، بدخواهان در فرصتی کوتاه تمام آثار ربع رشیدی را ویران و اموال آن را به غارت بردند و بقایای آن را به آتش کشیدند. تلاش مجدد غیاث الدین محمد فرزند رشیدالدین فضل الله نیز در سالهای بعدی

نتوانست حیات ربیع رشیدی را تضمین نماید و بر او و ربیع رشیدی همان رفت که بر سر پدرش و مجموعه بی نظیرش رفته بود.^{۱۶} بعد از قتل غیاث الدین محمد دیگر ربیع رشیدی سربلند نکرد و به بایگانی تاریخ سپرده شد. شنب غازان خان اگرچه در مقام مقایسه با ربیع رشیدی از عمر درازتری برخوردار بود اما سقوط حکومت ایلخانان و نرسیدن در آمد موقوفات به تدریج این مجموعه را از رونق اولیه خود انداخت. در دوره صفویه نیز با توجه به سیاست های مذهبی سلاطین این سلسله و اشتغال غازان خان به مذهب اهل سنت چندان عنایتی به شنب غازان نشد و بعد از نابودی حصار آن در سال ۱۰۱۹ قمری به دستور شاه عباس و با هدف جلوگیری از سوءاستفاده نیروهای عثمانی در حمله احتمالی به تبریز از این مجموعه و همچنین زلزله های ویرانگر سالهای ۱۰۶۲، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳ تبدیل به مخروبه ای شد.^{۱۷} همین خرابه ها نیز در دوره قاجار به فتوای یکی از علمای تبریز با خاک یکسان گردید.^{۱۸}

مقایسه بین مجموعه بناهای شنب غازان و ربیع رشیدی و به ویژه وقف نامه ها و فعالیت های این دو مجموعه نشان می دهد که رشیدالدین فضل الله همدانی با زیرکی خاصی غازان خازان را وادار به احداث مجموعه مذهبی، علمی، آموزشی و اجتماعی شنب غازان کرد و سپس خود در سال های بعد با استفاده از تجربیات شنب غازان و در واقع در سایه آن مجموعه ای به مراتب مؤثرتر در ابعاد علمی و آموزشی را به نام خود در جانب شرقی تبریز کرد. تفاوت اساسی شنب غازان و ربیع رشیدی این بود که شنب غازان جنبه های خیرات و کسب ثواب آخرت و در واقع ارضای حس میل به جاودانگی هدف اصلی تأسیس بناها بود اما در ربیع رشیدی هدف اصلی تکیه بر تعلیم و تعلم بوده و جنبه خیراتی آن در درجه دوم اهمیت قرار داشته است. شنب غازان اگرچه در مقام مقایسه با مجموعه ربیع رشیدی (شهرستان، ربض و ربیع) به لحاظ وسعت کوچکتر بود اما این مسأله را باید در مرگ زود هنگام غازان خان جستجو کرد. شاید اگر غازان نیز مدنی دیگر زنده می ماند وسعت شنب غازان به پای ربیع رشیدی می رسید و حتی شاید از آن هم بیشتر می شد. با این همه مطالعه در ماهیت و موجودیت شنب غازان ما را به این نکته رهنمون می سازد که این مجموعه در واقع راهگشای ایجاد ربیع رشیدی بوده است و شاید بدون وجود آن ربیع رشیدی نمی توانسته وجود خارجی داشته باشد.

یادداشتها:

- ۱- شب که در اصل تصحیفی از کلمه شم و یا شام است نام منطقه ای در غرب تبریز بود که با توجه به مجموعه بناهایی که به دستور غازان خان در آنجا ساخته شد به شم غازان معروف گردید. شب را گنبد و همچنین سبزه زار معنی کرده اند. جهت اطلاع بیشتر از وجه تسمیه شب یا شم ر.ک: محمد جواد مشکور، تاریخ تبریز تا قرن نهم، (تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳)، ص ۱۴۷.
- ۲- ناصرالدین منشی کرمانی، نسائم الاسحار من لطائف الاخبار، به تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸)، ص ۱۱۳.
- ۳- هاشم رجب زاده، آئین کشورداری در عهدوزارت رشیدالدین فضل الله همدانی، (تهران، توس، ۱۳۵۵)، ص ۹۰.
- ۴- رشیدالدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، (تهران، اقبال، بی تا)، جلد دوم، ص ۹۹۷.
- ۵- رشید الدین فضل الله بن عمادالدوله ابوالخیر، تاریخ مبارک غازانی (داستان غازان خان)، به سعی و اهتمام و تصحیح کارل یان، (هرتفورد، ستفن اوستین، ۱۳۵۸ ق/ ۱۹۴۰ م)، ص ۲۰۸.
- ۶- وصاف الحضرة، شرف الدین فضل الله شیرازی، تاریخ وصاف، تحریر عبدالحمید آیتی، (تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶)، ص ۲۳۰.
- ۷- در مورد ویژگیهای این بنا نوشته اند که هر آجر آن ده من وزن داشته و ۱۴۰۰۰ نفر کارگر که ۱۳۰۰۰ نفر آن دائم و هزار نفر دیگر به صورت موقت حدود ۵ سال در ساختمان این بنا کار کرده اند. ارتفاع گنبد عالی را که بزرگتر از گنبد مقبره سلطان سنجر سلجوقی و در واقع بزرگترین گنبد زمان خود بوده ۱۲۹ گز و طول دیوارها را ۸۰ گز، ضخامت دیوارها ۱۳ گز، طاس گنبد ۴۰ گز و محیط آن ۱۵۳۰ گز و شکل آن ۱۲ ضلعی که بر هر ضلع آن صورت برجی از برجهای دوازده گانه را نقش کرده بودند. برای نقاشی سقف این مجموعه ۳۰۰ من لاجورد به کار رفته بود و ۸۰ قندیل زرین و سیمین که وزن بعضی از آنها به ۱۵ من می رسید و یکی از قندیل ها هزار مثقال طلا داشت تزئین کننده این مجموعه بودند. برای اطلاع بیشتر از ویژگی و تزئینات شب غازان ر.ک: خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین الحسینی،

- تاریخ حبیب السیر، (تهران، خیام، ۱۳۳۳)، جلد سوم، ص ۱۸۸ و نیز: عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۷)، ص ۳۰۵.
- ۸- برای اطلاع بیشتر از مجموعه بناهای ربع رشیدی و کارکرد آنها ر.ک: محمد جواد مشکور و دیگران، مجموعه خطابه های تحقیقی، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰) و نیز: محمد مهدی بروشکی، بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵)، ص ۵۵ به بعد.
- ۹- نادر میرزا، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، مقدمه، تصحیح و تحشیه غلامرضا طباطبائی مجد، (تبریز، ستوده، ۱۳۷۳)، ص ۱۲۲.
- ۱۰- رشیدالدین فضل الله، تاریخ مبارک غازانی، ص ۲۰۷ تا ۲۱۵ و نیز رشیدالدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ، جلد دوم، ص ۹۹۸ تا ۱۰۰۴.
- ۱۱- رشیدالدین فضل الله همدانی، وقفنامه ربع رشیدی، نسخه عکسبرداری شده از روی نسخه اصلی، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، (تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱).
- ۱۲- جهت اطلاع از هزینه های نقدی و غیر نقدی ربع رشیدی و همچنین تقسیم بودجه در آن ر.ک: بروشکی، بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، ص ۱۰۱ تا ۱۱۶.
- ۱۳- غازان خان در یازدهم شوال ۷۰۳ قمری در سن سی و سه سالگی در قزوین درگذشت و جنازه او را به تبریز آورده و در گنبد عالی شنب غازان خان دفن کردند. به نقل از: رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، جلد دوم، ص ۳-۹۶۲.
- ۱۴- اولیاء چلبی، سیاحتنامه اولیاء چلبی (قسمت آذربایجان)، ترجمه حاج حسین آقا نخجوانی، (تبریز، بی نا، ۱۳۳۸)، ص ۲۹.
- ۱۵- بروشکی، بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، ص ۱۱۷.
- ۱۶- اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، ص ۳۲۹.
- ۱۷- نادر میرزا، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، ص ۱۲۲.
- ۱۸- شفیع جوادی، تبریز و پیرامون آن، (تبریز، بنیاد فرهنگی پهلوی، ۱۳۵۰)، ص ۱۱۸.